

«مدارا» و نقش آن در تحکیم و رشد خانواده

علی توحیدی نژاد*

چکیده

«مدارا» یکی از ویژگی‌های پسندیده انسانی و از اخلاق حسنه اسلامی است. بعضی خانواده‌ها بر اثر کم‌تحمیلی اعضای آن، دچار پریشانی، اختلاف و اختلال عاطفی و رفتاری می‌شوند. مدارا، به خصوص بین همسران، نقشی کلیدی در کاهش اضطراب، افسردگی و پرخاشگری، و افزایش امید و ایجاد محیطی آرام و امن در خانواده دارد. هدف پژوهش حاضر، تبیین نقش مدارا در استحکام بنیان خانواده است. این نگاه با تمرکز بر آیات و روایات، نقش مدارا در محکم شدن پیوندهای خانوادگی را از دیدگاه اسلام پی می‌گیرد. کلیدواژه‌ها: مدارا، خانواده، اخلاق، علوم اجتماعی، معارف قرآن و حدیث.

یکی از نهادهای بنیادین بشر «خانواده» است. این نهاد در تأمین نیازهای انسان و جامعه نقش مهمی دارد، چرا که اساس اجتماع بر خانواده بنا شده است و هرچه این بنیان محکم‌تر باشد، شاهد ثبات اجتماعی بیشتری خواهیم بود؛ به بیانی دیگر، ناسازگاری در جامعه، از وجود خانواده‌های ناسازگار و مضطرب در درون خود حکایت می‌کند. اکنون پرسش این است: که جامعه برای اثبات شدن و استحکام واحدهای کوچک‌تر خود، یعنی خانواده، از چه عواملی می‌تواند استفاده کند؟ آیا مدارا نقشی در استوارسازی این بنا دارد؟ دیدگاه دین درباره این موضوع چیست؟ فرضیه مقاله حاضر، موفقیت بهره‌گیری از عامل «مدارا» برای تثبیت واحدهای کوچک اجتماعی است و نقش «دین» را در به‌کارگیری این عامل، علاوه بر انگیزه‌دهی و حرکت‌آفرینی، تنظیم‌کننده و ساختاردهنده می‌داند. تقویت روحیه مدارای خانوادگی در مخاطب نیز هدف این نوشتار است. این امر با بررسی متون دینی دنبال شده و جای‌گاه این عامل رشد‌دهنده و بازدارنده در تثبیت بنیان‌های خانواده تبیین می‌شود.

شایان ذکر است، اهمیت نگاه دینی به موضوعات انسانی - اجتماعی، از آن روست که گزاره‌های دین، بر مبنای فطرت انسان تنظیم شده‌اند و سازگاری آن با روح لطیف و رشد طلب بشری، از شناخت کامل خالق هستی به مخلوقاتش نشئت می‌گیرد. بر این اساس، کارشناسی‌ترین دیدگاه از آن دین خواهد بود.

یکی از فایده‌های این مقاله تقویت نگاه دینی در بررسی مسائل اجتماعی و خانوادگی است و ویژگی آن، نگاه کاربردی به گروهی از روایات است که می‌تواند در قاعده‌سازی اجتماعی نقش داشته باشد. اصلاح رفتار همسران و پیش‌گیری از بروز اختلاف نیز از فواید نوشتار حاضر است.

درباره موضوع مورد بحث، نگاشته مستقلی یافت نشد، اما کتاب‌های مرتبطی وجود دارد، برای مثال، کتاب *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث اثر آیه الله ری شهری*، که با همکاری حجة الاسلام دکتر عباس پسندیده به زیور طبع آراسته شده است، مهم‌ترین کتاب مرتبط است. این اثر، موضوعاتی مانند: تشکیل خانواده، عوامل تحکیم خانواده و آسیب‌های خانواده را از دیدگاه آیات و روایات بررسی کرده و در پایان هر بخش، تحلیل کوتاهی ارائه کرده است. جمع‌بندی‌های این کتاب، موجز است و نمی‌تواند جای‌گزین

آثار تحلیلی باشد.

در این راستا، از کتاب *نظام خانواده در اسلام*، تألیف استاد محمد باقر شریف قرشی و با ترجمه لطیف راشدی نیز می‌توان نام برد. موضوعات این کتاب جزئی‌تر بوده، اما به موضوع مدارا به طور مفصل پرداخته است.^۱ امتیاز مقاله حاضر اختصاص آن به موضوع «مدارا در خانواده» است که با نگاهی جامع‌تر، آیات و روایات مرتبط را بررسی می‌کند.

نوشتار حاضر در سه بخش تنظیم شده است. ابتدا «مدارا»، مشابهات و متضادهای آن از حیث لغوی بررسی می‌شود، سپس به «رابطه مدارا و خانواده» در قرآن و حدیث پرداخته شده و آن‌گاه درباره «تأثیر مدارا بر تحکیم و رشد خانواده» بحث می‌شود.

الف) شناسایی واژگان

مدارا از ارزش‌های والای انسانی و اسلامی است. جایگاه مدارا بیشتر در امور شخصی است؛ یعنی جایی که حقی از انسان در حال ضایع شدن است، در مقابل، جایی که حقوق عمومی در معرض نابودی قرار می‌گیرد، قاطعیت، ارزش به شمار می‌آید. این دوروش، اشتراکات و تمایزاتی با هم دارند که نگاشته حاضر در صدد پرداختن بدان نیست. «مدارا» و واژگان مرتبط با آن، دارای دقت‌هایی در بُعد لغوی هستند که شناخت آن به پیشرفت بحث کمک می‌کند.

۱. «درأ» در لغت و کاربردهای قرآنی و حدیثی

ابن فارس ماده «دری» را بر اساس دوریشه «درء» و «دری» معنا کرده و درباره دومی گفته: «دری دو اصل معنوی دارد، یکی به معنای قصد کردن چیزی و تمرکز بر طلب آن است و دیگری به معنای اندازه و محدودیتی که در شیء است.» وی ماده مهموز را به معنای دفع کردن چیزی دانسته است.^۲ خلیل فراهیدی مدارا را از ماده «درا» دانسته^۳ و

۱. کتاب *بهداشت روانی، ازدواج و همسر داری*، نوشته احمد حسینی است. در این کتاب از آیات، روایات و گفتار روان‌شناسان استفاده شده است، اما بر موضوع «مدارا در خانواده» تمرکز ندارد.

۲. *معجم مقاییس اللغة*، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳. *العین*، ج ۸، ص ۵۹.

جوهری «مداراة» را به نرمی و نرم‌خویی معنا کرده است.^۱ صاحب لسان‌العرب در بیان معانی استعمالی این ماده، هموزان را به معنای پرهیز کردن از شرورات دیگران و معتل آن را به معنای نیرنگ دانسته است. او استعمال این ماده در باب «مفاعله» را به معنای مدافعه می‌داند.^۲ هم‌چنین زبیدی «دَارَاتُهُ مداراةً» را به نگه داشتن و نرمش کردن معنا می‌کند.^۳

در مجموع، معنای مدارا، «مدافعه» است و معانی دیگر نیز به همین معنا برمی‌گردد، نرم‌خویی، نوعی رفتار برای دفع کردن آسیب‌های احتمالی دیگران است، و نگه‌داری، خودداری در مقابل بدی دیگران است که به دفع بدی‌های بعدی می‌انجامد. این واژه بیشتر در مباحث اخلاقی به کار می‌رود و منظور از آن، نرمی با مردم، حسن رفتار با آن‌ها و تحمل کردن ایشان است، تا از انسان دور نشوند و در عین حال، آفتی از آن‌ها به انسان نرسد.^۴

هموزان این ماده، سه بار در قرآن کریم آمده است. خداوند در سوره «قصص» می‌فرماید:

أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرُؤُنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ؛
 آن‌ها کسانی هستند که به خاطر شکیبایی‌شان، اجر و پاداش‌شان را دو بار دریافت می‌دارند و به وسیله نیکی‌ها، بدی‌ها را دفع می‌کنند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.^۵

در آیه ۲۲ سوره «رعد» آمده:

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَ
 يَدْرُؤْنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ هُمُ عِقبَى الدَّارِ؛
 و آن‌ها که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند؛ پایان نیک سراى دیگر، از آن‌هاست.

۱. صحاح اللغة، ج ۶، ص ۲۳۳.

۲. لسان‌العرب، ج ۱، ص ۱۷۱.

۳. تاج العروس، ج ۱، ص ۱۵۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۴۳۸.

۵. همه ترجمه‌های قرآنی از آیه الله مکارم شیرازی است.

در آیه هشتم سوره «نور» نیز آمده:

وَيَذَرُهَا عَنِهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ؛

آن زن نیز می‌تواند کیفر (زنا) را از خود دور کند، به این طریق که چهار بار خدا را به شهادت طلبد که آن مرد (در این نسبتی که به او می‌دهد)، از دروغ‌گویان است.

راغب اصفهانی در هر سه آیه، ماده «درء» را به «دفع کردن» معنا کرده و نیکی کردن را هم موجب دفع بدی‌های احتمالی دیگران دانسته است.^۱

این ماده در احادیث کاربرد فراوانی دارد. ابن‌اثیر می‌نویسد: «معنای حدیثی این واژه، اغلب، نرمی و حسن صحبت است.»^۲ طریحی، مهموز و معتل این ماده را به معنای ملاطفت و نرمی دانسته و روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را شاهد آورده که: «أُمِرْتُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ»؛^۳ به مدارا کردن با مردم امر شدم.^۴

در کاربردهای قرآنی و حدیثی این ماده، معنای «خودداری» و «دفع کردن» رفتارهای بد دیگران با نرم‌خویی و رفتار سازگارانه دیده می‌شود.

۲. مشابهات مدارا

یکی از واژه‌های مشابه مدارا «لین» است. خلیل فراهیدی،^۵ ابن‌منظور^۶ و حسینی زبیدی^۷ آن را به «نرمی» و «ضد خشونت» معنا کرده‌اند. وجه شباهت «لین» با «مدارا» آن است که هر دو در نرم‌خویی به کار می‌روند، اما به گفته‌ی راغب اصفهانی، «لین» در اجسام به کار می‌رود و کاربردش در اخلاق، استعاره است؛^۸ به خلاف مدارا که کاربردش در اخلاق و خوی انسانی، اصیل است.

از دیگر واژه‌های مشابه مدارا «رفق» است. ابن‌فارس^۹ گفته: «رفق» بر موافقت و

۱. مفردات ألفاظ القرآن، ۳۱۳.

۲. النهاية فی غریب الحدیث والاثار، ج ۲، ص ۱۱۵.

۳. تحف العقول، ص ۴۸.

۴. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۳۷.

۵. العین، ج ۵، ص ۱۴۹.

۶. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۱۸.

۷. تاج العروس، ج ۱۸، ص ۵۱۸.

۸. مفردات، ص ۷۵۲.

۹. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۱۸.

نزدیکی دلالت دارد و خلاف «عنف» است. خلیل^۱ آن را به نرم‌خویی معنا کرده است. به نظر می‌رسد، که رفق و مدارا در استعمال، تفاوت چندانی ندارند و به جای هم به کار می‌روند، اما در معنای ریشه که در واقع به هدفِ واژگان توجه دارد، با هم مختلفن؛ «مدارا»، نرم‌خویی با هدف دفع بدی‌ها و جلب مصالح است، اما «رفق» با هدف همراهی کردن، نزدیک شدن و صمیمیت است. «تغافل»^۲ و «عفو» نیز واژگانی هستند که مصداقی برای مدارا به شمار می‌آیند.^۳

۳. متضادهای مدارا

یکی از واژه‌های متضاد مدارا «مُتَاَزَعَه» است که فراهیدی^۴ آن را به «خصومت» معنا کرده است. ابن منظور^۵ یکی از استعمالات این واژه را جمع کردن و به کارگیری ادله برای مقابله با طرف مقابل دانسته که این هم نوعی خصومت علمی است. هم‌چنین، کشیدن طرف مقابل از جایگاه خود در دعوا و جدال، یکی از معانی قرآنی «منازعه» است.^۶ ابن اثیر هم در حدیث، «منازعه» را به تجاوز از حدود هر یک از طرفین درگیری معنا کرده است.^۷ تضاد مدارا با منازعه در روش رسیدن به هدف است، در مدارا برای جلب منفعت و دفع مفسده از روش نرمش استفاده می‌شود و در منازعه همین هدف، دست‌آویز درگیری قرار می‌گیرد. «لجاجت» هم در تضاد با مدارا، شبیه منازعه است.^۸

واژه دیگری که با مدارا تضاد دارد، «عنف» است. این واژه در حقیقت، ضد رفق و به معنای «شدت» و «مشقت» است.^۹ «خشن» هم خلاف نرمی و متضاد مدارا و رفق است.^{۱۰}

۱. العین، ج ۵، ص ۱۴۹. و نیز رک: مفردات، ص ۴۸۶.

۲. العین، ج ۴، ص ۴۱۹؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۹۸.

۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۶؛ العین، ج ۲، ص ۲۵۸.

۴. العین، ج ۱، ص ۳۸۹.

۵. لسان العرب، ج ۸، ص ۳۵۲؛ مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۹۷.

۶. مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۸۹.

۷. النهایة فی غریب الحدیث، ج ۱، ص ۳۵۳؛ ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، ج ۶، ص ۲۲۹.

۸. مفردات الفاظ قرآن، ص ۷۳۶؛ تاج العروس، ج ۳، ص ۴۶۹.

۹. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۱۵۸؛ لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۷؛ مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۰۴؛ النهایة، ج ۳، ص ۳۰۹.

۱۰. العین، ج ۴، ص ۱۷۰؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۴۳؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۴۱؛ معجم المقاییس اللغة، ج ۲، ص ۱۸۴.

در مجموع، «رفق» و «لین» مهم‌ترین مشابهات مداراست و «منازعه» و «لجاجت»، «عنف» و «خسونت»، مهم‌ترین متضادهای آن است.

ب) مدارا و خانواده در قرآن و حدیث

خانواده، منشأ جریان زندگی اجتماعی است، چرا که تولید نسل و پرورش آن به عهده خانواده است. و بسیار روشن است که پرورش صحیح می‌تواند جامعه‌ای شاداب، پرتلاش و بالنده ایجاد کند. یکی از زمینه‌های تربیت صحیح، مدارای خانوادگی است که دارای مصادیق: «محبت»، «تغافل» و «گذشت» است که این خصلت‌ها می‌توانند زمینه را برای تربیت صحیح ایجاد کنند. در این بخش، ارتباط مدارا با خانواده و اهمیت آن از دیدگاه قرآن و حدیث، بازشناسی می‌شود.

۱. نرمش؛ عامل پذیرش و محبوبیت

انسان‌ها، از پذیرش سخن کسی که دوستش دارند، لذت می‌برند، و به همین اندازه، پذیرفتن کلام کسی که محبوبیت ندارد، زجرآور است. نفوذ کلام نیز از نیازمندی‌های زندگی خانوادگی است. اگر سخن اعضای خانواده در هم تأثیرنگذارد، زندگی در کنار یکدیگر لذت بخش نیست.

یکی از راه‌های محبوبیت، نرم‌خویی است، زیرا انسان‌ها به طور فطری، نرم‌خویان را دوست دارند. اگر این رفتار نرم، در مواقع حساس و به شکل حساب شده بروز کند، جلوه شخصیتی خاصی به فرد اعطا می‌کند و مخاطبان وی ناخودآگاه از او تبعیت کرده و در پذیرش سخنش از یکدیگر سبقت می‌گیرند. اثرپذیری از سخن غیر با نرمش او در برابر خواسته‌های منطقی دیگران، رابطه‌ای دوسویه دارد. این جاست که نرمش قبلی، موجب ایجاد تأثیر برای سخن بعدی می‌شود.

در تحمل بد خلقی و نادانی اعضای خانواده نیز نرم‌خویی، خود را به خوبی نشان می‌دهد. نرمی در رفتار، نیازمند «نرمش قلبی» است. کسی که در دل، دیگران را دوست دارد و برای پیشرفتشان دغدغه مند است، می‌تواند رفتار خود را با ایشان نرم کند، چرا که می‌داند این نرمش به نفع آن‌هاست. نرمی قلب یکی از آثار رحمت و عطف است و اثر آن، نرمی در رفتار و گفتار خواهد بود. در حقیقت، مدارا دارای بهره‌ای دوجانبه است؛ از سویی، موجب محبوبیت مداراکننده و پذیرش سخن او می‌شود، و از سویی دیگر،

زمینه هوشیاری مخاطب و رشد وی را فراهم می‌کند. درک نیاز دیگران و پاسخ عاطفی و منطقی به آن، می‌تواند الگویی برای رفتار دیگران نیز باشد و فضای خانواده را محبت‌آمیز کند.

قرآن کریم در بیان یکی از ویژگی‌های مهم پیامبر ﷺ می‌فرماید:

فِيمَا رَحِمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛^۱

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی. و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

بر اساس ملاک موجود در این آیه، رحمت قلبی موجب نرم‌خویی شد و مردم را گرد پیامبر ﷺ جمع کرد. همین عامل در خانواده باعث جلب و جذب شده و از پراکندگی اعضای خانواده و تلاش برای تأمین نیازهای خویش در خارج از چارچوب‌های خانوادگی، جلوگیری می‌کند. با این راه می‌توان از کج‌روی‌های بسیاری پیش‌گیری کرد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لَا عَيْشَ أَهْتًا مِنْ حُسْنِ الْحُلُقِ؛^۲

هیچ زندگی‌ای گواراتر از زندگی همراه با خوش اخلاقی نیست.

همسران به طور طبیعی دوست دارند محبوب همسرشان باشند و سخنشان مورد توجه او قرار گیرد. راه رسیدن به این امتیاز، نرم‌خویی است. تحمل نکردن خطاهای همسر، سرزنش وی به خاطر نادانی‌ها و خطاها، تذکر مکرر عیب‌ها و تشکر نکردن از قوت‌ها و خوبی‌ها، موجب اختلاف و تلخی زندگی می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس درشت‌خوی باشد، دور و برش خالی می‌شود».^۳

هیچ همسری دوست ندارد در کنار فردی بد اخلاق زندگی کند، اما الزامات و شئون اجتماعی، موجب احساس اجبار به ادامه این زندگی می‌شود، که این زیستن اجباری، همواره با اختلاف و رنجش همراه است.

۱. آل عمران، آیه ۱۵۹.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۲۴۴، ح ۲۳۸.

۳. عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۵۹.

۲. صفا و صمیمیت در سایه گذشت و تحمل

«صمیمیت» به معنای یک‌رنگی و یک‌دلی است.^۱ صمیمیت در خانواده به معنای این است که افراد خانواده بتوانند با یکدیگر روابطی بدون دغدغه داشته باشند و در خانه به آرامش برسند. «صفا» به معنای پاکی و بی‌غش و بی‌کدورت بودن است.^۲ کاربرد این واژه در مباحث خانواده به معنای خلوص در رفتار و پرهیز از هرگونه عملکرد منجر به جدال و بدگمانی است. صفا و صمیمیت می‌تواند آرامش روانی، دوستی و اعتماد ایجاد کند، که زندگی همراه با این سه ویژگی، بسیار لذت‌بخش است.

یکی از راه‌های ایجاد صمیمیت، مداراست. در جامعه‌ای که دست کم دو عضو دارد، دو سلیقه وجود دارد که به طور منطقی، هر کدام حق دارند نیمی از سلیقه‌های خود را اجرا کنند. گاهی در ارزیابی این‌که نیمی از سلیق اجرا شده یا نه، اختلاف می‌شود؛ گاهی در تعیین این‌که چه وقت و در کدام مورد، از حق خود استفاده کنند، اختلاف نظر پدید می‌آید و گاهی یک عضو نمی‌خواهد به حق خود پای‌بند باشد و چیزی فراتر می‌طلبد. در همه این حالات، گذشت از حقوق شخصی، نمادی از مدارا خواهد بود. این گذشت می‌تواند در بلندمدت، موجب شرمندگی فرد مقابل شده و وی را به مرزهای خویش بازگرداند؛ هرچند هدف از گذشت، شرمنده‌سازی نیست. از سوی دیگر، این بخشیدن موجب نزدیک شدن آن دو به یکدیگر می‌شود، زیرا فرد بخشنده، به دیگری عاطفه و رحمت نشان داده و از بخشیدن لذت برده است؛ فرد بخشیده شده نیز مورد محبت قرار گرفته و محبت، جلب‌کننده است.

قرآن کریم، گذشت و تحمل را ویژگی بندگان خدای بخشنده دانسته و می‌فرماید:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛^۳

بنندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند (و سخنان ناپرخردانه گویند)، به آن‌ها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).

۱. فرهنگ فارسی معین، ص ۲۱۶۴.

۲. همان، ص ۲۱۴۹.

۳. فرقان، آیه ۶۳.

بر اساس این آیه، مؤمنان در برخورد با نادانان روشی را در پیش می‌گیرند که موجب در امان ماندن از شر آنان شده و احتمال حرکت آن‌ها به سمت سلامت روحی - رفتاری را افزایش می‌دهد. درگیری با جاهلان، جایگاه انسان را در نظر مردم پست می‌سازد و در مقابل، بردباری موجب بزرگواری می‌شود؛ از این رو، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وَإِنْ شِئْتَ أَنْ تُكْرَمَ فَلَنْ وَإِنْ شِئْتَ أَنْ يُهَانَ فَاحْشُنْ؛^۱

اگر می‌خواهی گرامی باشی، ملایمت کن و اگر می‌خواهی بی‌ارزش گردی، خشونت روا دار.

وقتی در جامعه و در برابر جاهلان غریبه، رفتاری این چنین شایسته است، باید در خانواده رفتار نادرست عضو دیگر را تحمل کرد و با این شیوه، او را به سمت سلامت رفتاری سوق داد.

۳. زندگی بدون کشمکش، با چشم‌پوشی و تغافل

«تغافل» از صفات کریمه انسانی است. انسان‌های بزرگوار سعی می‌کنند خطاهای دیگران را نبینند. ممکن است در برخی از فرهنگ‌ها، تلاش برای پی بردن به خطاهای دیگران، زرنگی به شمار آید، اما در فرهنگ اسلامی که بر اساس انسانیت بنا شده، تلاش برای چشم‌پوشی از خطاها، بزرگی و امتیاز است. امام علی علیه السلام «کم‌گذشت بودن» را زشت‌ترین عیب‌ها و «شتاب در انتقام» را بزرگ‌ترین گناه شمرده است.^۲ با دقت در این حدیث روشن می‌شود که کم‌گذشت بودن، موجب شتاب در انتقام‌گیری است. در حقیقت، بزرگ‌ترین عیب انسان، دیدن همه خطاهای دیگران است. وقتی زندگی اطراف یک نفر، پرخطا جلوه کرد تحمل آن سخت می‌شود و تلاش برای مقابله با آن افزایش یافته و منجر به شدت و کثرت در انتقام می‌گردد. راه حل این اشکال، چشم‌پوشی از خطاها، فراموش کردن آن‌ها و گذشت از آن است.

ممکن است زن و شوهر درباره همدیگر اشتباه کنند؛ مثلاً زن در مدیریت خانه، تربیت فرزندان و رعایت حق شوهر خطا کند و یا مرد در تأمین امکانات زندگی، مدیریت خانواده و رسیدگی به امور همسر دچار اشتباه شود. اگر همه این اشتباهات

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۷، ح ۲۹.

۲. عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۷۱.

دیده شود، زندگی پرکشمکشی به وجود می‌آید، اما تلاش برای ندیدن خطاها و یا دیدن و دم برنیاوردن، علاوه بر اثر تربیتی، زندگی را شیرین می‌کند.
 امام صادق علیه السلام فرمود:

صلاح زندگی اجتماعی و معاشرت با مردم، در پیمانۀ پری است، که دو سوم آن زیرکی و یک سوم آن تغافل است.^۱

حتی در زمانی که یکی از همسران خطای دیگری را می‌بیند، بهتر است با نادیده انگاشتن، خصومت را دفع و عیب را بپوشاند، تا اندوه و دغدغه‌ای ایجاد نشود.

۴. محبت؛ زمینه‌ساز خوش بختی

انسان‌ها خوشبختی را دوست دارند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، چرا که حرکت به سمت آینده‌ای نیکو، از ویژگی‌های فطری انسان است. یکی از راه‌های خوش بختی، کسب مهارت‌های زندگی است، و محبت، یکی از این مهارت‌هاست. اظهار محبت یعنی به‌کارگیری لوازم دوستی یک نفر. کسی که دیگری را دوست دارد، از خودخواهی و کینه به فرد مقابل خودداری می‌کند. بنابراین، محبت، شاخه‌ای از مدار است.

گاهی ابراز دوستی پس از مواجهه با زیبایی‌ها، خوبی‌ها و کارهای نیک است و گاهی پس از روبه‌رو شدن با بدی‌ها، کج خلقی‌ها و اشتباهات. ابراز دوستی در چنین شرایطی، سخت و پیچیده است؛ از سویی نباید در مقابل اشتباه، روی خوش نشان داد و از سوی دیگر، باید به طرف مقابل فهماند که هنوز از دایرۀ دوستی خارج نشده و شایستگی محبت را دارد. وقتی اشتباه انسان ظاهر می‌شود، احساس سرخوردگی و ناامیدی می‌کند. ناامیدی، او را به سمت خطاهای بیشتر، می‌کشانند و خطای زیاد، سقوط و بدبختی را به دنبال دارد. محبت، انسان را از ناامیدی نجات داده و در عین خجالت، اراده‌ی وی را برای ترک اشتباه و جبران آن تقویت می‌کند؛ این جاست که محبت زمینه‌ساز سعادت می‌گردد.

مدارای اعضای خانواده با یکدیگر در قالب محبت کردن، مانع گسسته شدن پیوندهای خانوادگی شده و اجازه نفوذ بیگانه به قلب‌های نیازمند مهر را نمی‌دهد.

۱. تحف العقول، ص ۳۷۵؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۸۹.

آن‌گاه که یکی از افراد خانواده مرتکب اشتباهی شود، خود را جدای از دیگران تصور کرده و بین خود و ایشان فاصله می‌بیند. در این شرایط، موقعیت برای ابراز عشق‌های دروغین فراهم شده و فرد، به بیرون از خانواده گرایش می‌یابد. مدارا در قالب محبت، از هر رفتن نیروی خانواده جلوگیری می‌کند.

قرآن کریم، به این مسئله اشاره کرده و می‌فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۱

و از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید، تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

بر اساس این آیه، یکی از فواید تشکیل خانواده، رسیدن به آرامش است و دست‌یابی به آرامش، از راه مودت و رحمت امکان‌پذیر است. قرآن کریم می‌داند که انسان‌ها گاهی مرتکب خطا می‌شوند، ولی باز هم ملاک زندگی مشترک را مودت و رحمت دانسته است.

از سوی دیگر، اگر هر یک از دو نفر بخواهد، محبت را متوقف بر اظهار محبت دیگری کند، هیچ‌گاه خوشبختی ناشی از این روش را نخواهند چشید. در فرهنگ معصومان عليهم السلام آغازگری در مدارا و رحمت، امری پسندیده است. امام علی عليه السلام می‌فرماید: «أَفْضَلُ النَّاسِ مِثَّةً مَنْ بَدَأَ بِالْمَوَدَّةِ»؛^۲ برترین مردم از نظر ممت داشتن بر دیگران، کسی است که در دوستی پیشی بگیرد. بنابراین، خانواده‌ای موفق خواهد بود که اعضای آن در محبت کردن از هم سبقت بگیرند. پیشی گرفتن در محبت، نوعی مداراست، زیرا تلاشی برای جلب شخص مقابل و غلبه بر مشکلات احتمالی است.

۵. پاک‌دامنی در سایه مدارا

پاک‌دامنی، از برجسته‌ترین صفات انسانی است. جامعه‌ای که لجام‌گسیخته به

۱. روم، آیه ۲۱.

۲. عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۱۲، ح ۲۴۴۶.

شهوت رانی بپردازد، امنیت روانی خود را از دست داده و به افسردگی، اضطراب و تنش های خاص و یا انزواهای خاص دچار خواهد شد. عقل انسان نیز همچون فطرت او، لیبرالیسم و کمونیسم جنسی را نمی پذیرد، چرا که زیان های زیاد آن را در جوامع امروزی مشاهده می کند.

پاک دامنی در آموزه های دینی، جایگاه ویژه ای دارد. قرآن کریم می فرماید:

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛^۱

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابند، باید پاک دامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند.

ریشه بسیاری از ناسازگاری های خانوادگی، عدم توجه به اصل پاک دامنی است. بر این اساس، زمینه سازی برای قناعت شهوانی و عاطفی، ضرورت دارد. یکی از زمینه های این قناعت، مداراست. مدارای عاطفی، مدارای جنسی و مدارای رفتاری، هر سه در پاک دامنی اعضای خانواده مؤثرند. نرم خو بودن، زمینه بهره مندی از عواطف حلال و تأمین نیاز عاطفی انسان را فراهم می کند. افراد نرم رفتار، به دلیل تأمین عاطفی مشروع، قناعت بیشتری از خود بروز می دهند و آسان تر می توانند، عفت پیشه کنند. مدارای جنسی هم به معنای سازگاری با وضعیت جنسی موجود است. اگر کسی بخواهد با وضعیت حلال و موجود خود از جهت جنسی سازگار شود، باید از سویی، در بهره مندی از همان وضعیت حساب شده عمل کند و از سوی دیگر، زمینه های بهره مندی نامشروع را برای خود ایجاد نکند. هر دو سوی این روش، نیازمند تحمل است. این شیوه در نهایت به قناعت جنسی منجر می شود. مدارای رفتاری هم موجب پای بندی اعضای خانواده به موقعیت خانوادگی و زمینه های مشروع شده و از هرزرفت استعداد های جنسی به بیرون از محیط حلال خانواده، جلوگیری می کند.

قرآن کریم در تشبیهی زیبا، زن و مرد را پوششی برای یکدیگر دانسته و فرموده:

هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ هُنَّ؛^۲

آن ها لباس شما هستند و شما لباس آن ها (هر دو زینت هم و سبب

۱. نور، آیه ۳۳.

۲. بقره، آیه ۱۸۷.

حفظ یکدیگرید).

ویژگی لباس این است که انسان را از گرما و سرما حفظ کرده و برای وی آرامش به ارمغان می‌آورد. زن و شوهر موجب کاهش سختی‌های هم شده و هنگام اضطراب، آرام‌بخش یکدیگرند. این اتفاق، زمانی رخ می‌دهد که اصل حاکم بر روابط دونفر، مدارا باشد؛ در غیر این صورت، هر کسی باید با سختی خویش را به تنهایی به دوش کشد و مشکل هر کس فقط مشکل خودش است و شخص مقابل درباره مشکلات او احساس مسئولیت نمی‌کند.

از سوی دیگر لباس، عیب انسان را می‌پوشاند و به وی شخصیت می‌دهد. همسران نیز از عیوب هم باخبرند. آنان باید مانند لباس، این عیوب را پوشانده و برای یکدیگر شخصیت قائل شوند. همسران می‌توانند با هم فکری و کمک به یکدیگر، عیوب را برطرف کنند.

هم‌چنین لباس، زینت افراد است. همسران نیز یکدیگر را از انحرافات حفظ کرده و زمینه تجلی زیبایی‌های انسانی و فطری را در یکدیگر فراهم می‌کنند. پاک‌دامنی نیز یکی از محورهای تجلی زیبایی‌هاست.

ج) تأثیر مدارا بر استحکام و رشد خانواده

همسران، تحت تأثیر پیشینه فرهنگی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و... دارای اختلافات طبیعی با یکدیگر هستند. همین اختلافات، مایه تنوع و رشد آن‌ها خواهد بود. بسیاری از ضعف‌ها در سایه اختلافات، کشف و رفع شده و بسیاری از قوت‌ها و آداب خوب همسران به یکدیگر منتقل می‌گردد. گاهی اجتماع دو فرهنگ مختلف، فرهنگ سومی را بهتر از دو فرهنگ پیشین ایجاد می‌کند. حال اگر همسران با کم‌ظرفیتی، همه اختلاف‌ها را ضعف بدانند، با انبوهی از ضعف‌ها مواجه شده و در چاره‌اندیشی برای آن متوقف شده و یا بر اثر ناامیدی به پوچ‌گرایی می‌رسند. اکنون باید دید که چگونه می‌توان از مدارا برای محکم کردن بنیان خانواده و رشد آن بهره گرفت.

۱. نقش مدارای والدین در تربیت و رشد فرزندان

رابطه پدر و مادر، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت فرزندان دارد. پدر و مادر، اولین آموزگاران و حتی آموزگاران همیشگی فرزندان هستند و می‌توانند با رفتار مناسب،

اندیشه و کردار فرزندان را جهت بدهند. هرچه این رابطه حساب شده تر و با همدلی باشد، بستر مناسب تری برای رشد و شکوفایی فراهم می‌کند. اختلاف والدین، آن‌ها را از وظیفه اصلی، یعنی تربیت فرزند باز داشته و باعث نگرانی و اضطراب در بچه‌ها می‌شود. امنیت روانی اولاد در گرو همراهی والدین با یکدیگر است. یکی از ریشه‌های بزه‌های اجتماعی هم چون اعتیاد، وجود درگیری در خانواده است.

اختلاف در روش تربیتی، یکی از ناسازگاری‌های رایج والدین است. چنین اختلافی اگر علنی شود، سستی بنیان خانواده را در پی خواهد داشت. همسران تصور می‌کنند که باید بر سر آنچه حق می‌دانند، حتی نزد فرزندان پافشاری کرده و فرد مقابل را به تسلیم وادار کنند؛ غافل از این که این رفتار، اثر معکوس داشته و شخص مقابل را به لجاجت می‌کشاند. این لجاجت، نوعی آموزش عدم مدارا به فرزندان است. حتی اگر در چنین روشی، یکی از همسران با پافشاری، حرف دیگری را بپذیرد، نزد فرزندان این گونه معنا می‌شود که پدر یا مادر گاهی حرف‌های ناحقی می‌زنند که می‌توان با پافشاری حرف آن‌ها را برگرداند؛ در حالی که پیام همکاری والدین در چنین مواقعی آن است که باید در کارهای جمعی با توافق، امور را به پیش برد و پدر و مادر من همیشه با هم توافق دارند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «الزَّفَقُ يُمْنٌ وَالْحَزَقُ سُؤْمٌ»؛^۱ سازگاری مایه میمنت، و بدقلقی، مایه شومی است. در روایات، بر مدارا تأکید بسیار شده است تا جایی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را «نصف ایمان» می‌داند. پیام این سخن در بحث حاضر، سازگاری والدین در پیشگاه فرزندان است، تا امور خانه زیبا شده و حضور در خانواده، شیرین گردد. رفتار برخلاف این مسیر، فرزندان را از محیط خانه فراری داده و لذت آن‌ها را در بیرون از منزل قرار می‌دهد که خطرات خاصی را به دنبال دارد.

نوع دیگر ناسازگاری، رفتار نامناسب والدین با فرزندان است. همین که در فرزندان احساس ناسازگاری با والدین به وجود آید، آنان احساس جدایی کرده و دچار اضطراب، ضعف روحی و عقده‌های عاطفی می‌شوند. در این شرایط، پدر و مادر نمی‌توانند الگو باشند و بچه‌ها تلاش می‌کنند در بیرون از منزل برای خویش الگویی

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۰۶، ح ۱۸۵۰.

بیابند و اصرار دارند که الگوی آن‌ها کسی باشد که پدر و مادر معرفی نکرده‌اند. والدین می‌توانند در عین اختلاف فکری با فرزندان، به گونه‌ای سازگار و نرم رفتار کنند که آن‌ها در بحث‌های اختلافی گمان‌کنند با دوست بزرگ‌تر از خود در حال بحث هستند؛ دوستی که خیرشان را می‌خواهد و در عین حال، درکشان می‌کند. فرزندان همیشه نیازمند پناهگاه هستند و والدین زمانی می‌توانند پناهگاه خوبی باشند که پوششی بر عیوب آن‌ها شده و ایشان را با خوب و بدشان بپذیرند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اکبر البر الرفق»؛^۱ بزرگ‌ترین نیکی‌ها، سازگاری است. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

مَا زُوِيَ الرَّفْقُ عَنْ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا زُوِيَ عَنْهُمْ الْخَيْرُ^۲
رفق از خانواده‌ای دور نشد، مگر این‌که خیر از آن‌ها دور شد.

۲. نقش مدارای زن در رشد شوهر و تحکیم خانواده

زندگی مشترک، برای رشد همسران و رفع نیازهای آن‌هاست. برخی از زمینه‌های رشد، به زن و برخی از این ویژگی‌ها به مرد داده شده است؛ بنابراین، همراهی آن دو می‌تواند هر دو را از ویژگی‌های فرد مقابل بهره‌مند کرده و رشد آسان‌تر و سریع‌تری را به دنبال داشته باشد. برای مثال، عاطفه که از نیازمندی‌های اصلی انسان است در خانم‌ها بیشتر است و قدرت جسمی در آقایان، فزون‌تر؛ البته در زندگی مشترک، همسران به عاطفه‌ای از جنس مخالف نیاز دارند.

مردها در مواقع گوناگون به عاطفه زنانه نیاز دارند؛ هنگامی که مرد از کار بیرون خانه برمی‌گردد، نیازمند برخورد مهربان و توأم با احترامی است که خستگی‌اش را بزداید؛ هنگامی که دچار تنگ‌دستی می‌شود، نیازمند کسی است که او را دل‌داری داده و به ادامه کار تشویق کند و به وی اطمینان دهد که درخواست مالی چندانی نخواهد داشت و با وضع موجود کنار خواهد آمد؛ هنگامی که مرد دچار اضطراب ناشی از کار می‌شود، نیازمند تسلی‌دهنده‌ای است که او را با عاطفه‌اش حمایت کند و مرد احساس پشتیبانی نماید. در هر یک از این موقعیت‌ها، اگر مدارا و برخورد حساب‌شده همسر

۱. غررالحکم، ص ۱۸۶، ح ۳۹.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۱۹، ح ۱۸۵۴.

نباشد، بنیان خانواده سست شده و زمینه‌های غلبه بر مشکلات و رسیدن به رشد از بین رفته و یا کاهش می‌یابد. اگر زن هنگام ورود مرد به خانه، به او احترام نکند و یا در مواقع تنگ‌دستی و اضطراب از وی حمایت نکند، مرد احساس تنهایی کرده و با این احساس، امید و اعتماد به نفس را، که لازمه پیشرفت است، از دست خواهد داد. در حقیقت، مدارای همسر جایی بروز می‌یابد که زن در عین خستگی از کارهای خانه و با این‌که خود او نیز متأثر از وضعیت مالی شوهر است و یا چه بسا دچار اضطرابات خاصی است، همه این‌ها را نادیده گرفته و به شوهر خویش پردازد تا آینده‌ای پرامید را رقم بزند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

هر زنی که با شوهرش ناسازگاری کرده و بیش از توانایی بروی تحمیل کند، هیچ کار نیکی از او پذیرفته نمی‌شود و خدا را در حالی ملاقات کند که بروی خشمگین باشد.^۱

رفتار ناسازگارانه با شوهر نه تنها ضررهای دنیوی دارد، بلکه بر اساس سخن پیامبر ﷺ، خشم خداوند را برمی‌انگیزد.

مرد، رکن مکمل خانواده است؛ هرچه بر علم، عقل، معنویت و توانایی اقتصادی او افزوده شود، رشد خانواده تسریع می‌گردد، و هرچه مشکلات روحی - روانی مرد کمتر باشد، سرایت آن به خانواده نیز کمتر بوده و موانع کمتری برای رشد اعضای خانه ایجاد می‌شود.

۳. نقش مدارای مرد در رشد زن و تحکیم خانواده

زن سرشار از عاطفه است و برای وی دریافت عاطفه نیز بسیار مهم است. کمبود عاطفی سبب خودکم‌بینی او و از دست رفتن عزت و امیدش می‌شود. شوهر می‌تواند با تکریم همسر و محبت به او، روزنه ناامیدی، احساس حقارت و نزاع را ببندد. تأمین نیازهای زن، فقط به محبت مستقیم نیست، بلکه یاری علمی و اجتماعی او امنیت خاطر را برایش به ارمغان آورده و موجب افزایش شخصیت زن می‌شود. مشورت دادن به همسر و خیرخواهی برای او، کمک در عبادت و تحصیل و فراهم کردن زمینه‌های تفریح

۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶.

و نشاط، از دیگر عوامل تقویت روحی و جسمی همسر و افزایش محبت دوسویه است. فراهم کردن زمینه برای پرداختن همسر به علاقه‌مندی‌هایش، اوج آرام‌بخشی به اوست. همه این‌ها نیازمند همراهی شوهر و مدارای وی است. شوهر باید در عین تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و غلبه بر مشکلات، نیازهای همسرش را درک کرده و بخشی از توان خود را با این نیازها سازگار کند. اجرای این مجموعه از رفتارها، همیشه ساده نیست، چرا که در بسیاری از اوقات، با منافع یا سلیق شوهر تزاخم پیدا می‌کند. در این جا مداراست که می‌تواند شوهر را به سمت مدیریت زندگی، رشد خانواده و ایجاد رضایت‌مندی سوق دهد.

زن موجودی قابل احترام، همسری برای آرام‌بخشی و مادری برای فرزندان است. او مدیر خانه است و کارهای مختلفی از قبیل: آماده‌سازی غذا، نظافت و آراستگی منزل و تربیت فرزندان را بر عهده دارد. انجام امور یادشده بدون برخورداری از حمایت، احترام و عاطفه شوهر بسیار سخت است. به همین دلیل است که امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيُكْرِمْهَا»^۱؛ کسی که همسری اختیار کرد، باید او را گرامی دارد. گرامی داشتن زن، چشم‌پوشی از عیب‌ها و اشتباهات او و برخورد بزرگوارانه با وی است. احترام به همسر به معنای حفظ شخصیت وی نزد فرزندان و در پیشگاه دیگران است که مصادیقی چون «خوب صدا کردن» و «خوب سخن گفتن» دارد.

گاهی زن دچار اضطراب و نومیدی می‌شود و روح و جسمش ضربه می‌بیند؛ در این صورت، او به حمایت عاطفی مردانه نیاز دارد تا بتواند خود را باز یابد. سخن امیرمؤمنان علیه السلام به همین روح لطیف زن اشاره دارد که فرمود:

إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا فَيَصْفُو عَيْشُكَ؛^۲

زن، گلی خوش‌بوست، نه بارکش؛ پس در هر صورت با او مدارا کن و با وی معاشرت نیکو داشته باش که زندگی‌ات صفا بگیرد.

مرد از توان جسمی و روحی بیشتر و تحمل و سعه صدر افزون‌تری برخوردار است؛ از این رو، مدارا از سوی وی، بیشتر مورد انتظار است. رعایت توان و ظرفیت همسر در

۱. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۸۵، ح ۶.

۲. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۶، ح ۵۸۳۴.

زندگی مشترک می تواند مرد را به سمت مدارای با او بکشاند. تحکم بر زن، نه تنها مایه پیشرفت و بهبود زندگی نمی شود، بلکه در روحیه او و دیگر اعضای خانواده اثر منفی می گذارد. امام سجاد علیه السلام درباره حق همسر بر مرد می فرماید:

وَأَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكَ فَتُكْرِمُهَا وَتَرْفُقُ بِهَا وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَوْجِبَ فَإِنَّهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا^۱

حق زن این است که بدانی خداوند بزرگ، او را مایه آرامش و انس تو قرار داده و این نعمتی است از جانب خدا بر تو؛ پس باید او را بزرگ داری و با وی به نرمی رفتار کنی. گرچه حق تو بر او واجب تر است، ولی بر توست که با او مهربان باشی.

مرد با مدارا کردن می تواند فضایی آرام، صمیمی و اطمینان بخش در خانه ایجاد کند. بدخلقی وی باعث دل زدگی همسر شده و درشت گویی، بدزبانی و سخت گیری، فرد مقابل را به عکس العمل وادار می کند. این جاست که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «سازگاری، نیمی از زندگی است»^۲.

مدارا با همسر نه تنها فواید دنیوی فراوانی به همراه دارد، بلکه دارای فواید اخروی نیز هست. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله صبر بر بد اخلاقی همسر را موجب پاداشی همانند پاداش ایوب نبی علیه السلام دانسته است.^۳

زن یکی از ارکان مهم خانواده است؛ او هرچه بیشتر رشد کند و موانع کمتری در مسیر پیشرفتش باشد، سلامت و آسایش خانواده بیشتر خواهد بود. زنی که احساس حقارت کند، نمی تواند فرزندان بالنده ای تربیت نماید. رشد زن، او را به ادامه زندگی در کنار شوهرش امیدوار کرده و استحکام بنیان های خانوادگی را رقم خواهد زد.

نتیجه گیری

«مدارا» به معنای «نرم خوئی» است. «لین» و «رفق» پرکاربردترین مشابهات مدارا هستند و «منازعه»، «لجاجت»، «عنف» و «خشونت» از متضادهای پر استفاده آن. این خلُق پسندیده در تحکیم روابط افراد و استحکام بنیان خانواده و رشد آن، نقش کلیدی

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۱، ح ۳۲۱۴.

۲. کافی، ج ۳، ص ۳۱۰.

۳. ثواب الاعمال، ص ۲۸۷.

دارد. همسران با تفاهم، گذشت، انعطاف‌پذیری و نرم‌خویی، می‌توانند آرامش، دوستی و پیشرفت را برای خود رقم بزنند و برگرفتاری‌ها، فائق آیند. تأکید قرآن و روایات بر مدارا، برای سامان یافتن زندگی اجتماعی بشر و رشد دنیوی و اخروی اوست. مدارا عامل پذیرش و محبوبیت، صفا و صمیمیت و ساماندهی زندگی‌ای بدون کشمکش است. مدارای خانوادگی زمینه‌ای برای پاک‌دامنی اعضای خانواده و خوش‌بختی آنان است.

کتاب نامه

- قرآن کریم (ترجمه آیه الله ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم) (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۳ ش.
- استحکام خانواده، محمد محمدی ری شهری، با همکاری: عباس پسندیده، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: مشعر، ۱۳۸۸ ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
- المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، أحمد بن محمد فیومی، قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.
- النهایة فی غریب الحدیث والأثر، مبارک بن محمد بن اثیر جزری، تحقیق و تصحیح: محمود محمد طناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
- بحار الأنوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، تحقیق و تصحیح: جمعی از محققان، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- بهداشت روانی ازدواج و همسر داری، أحمد حسینی، بی جا: مفید، ۱۳۸۰ ش.
- تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی حسینی زبیدی، تحقیق و تصحیح: هلالی علی و علی سیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی بن بابویه (معروف به شیخ صدوق رحمته الله)، قم: دارالشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.
- ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، سید علی خان بن احمد کبیر مدنی شیرازی، تحقیق و تصحیح: محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، تحقیق و تصحیح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
- غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحقیق و تصحیح: سید مهدی رجایی، قم: دارالکتاب اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- فرهنگ فارسی (متوسط)، محمد معین، تهران: امیرکبیر، چهارم، ۱۳۶۰ ش.
- کتاب من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (معروف به شیخ صدوق رحمته الله)،

- تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ۱۴۱۳ق.
- کتاب العین، خلیل بن أحمد فراهیدی، قم: هجرت، ۱۴۰۹ق.
- لسان العرب، محمد بن مکرم (ابن منظور)، تحقیق و تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- مجمع البحرين، فخرالدین بن محمد طریحی، تحقیق و تصحیح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- مجموعه ورام (آداب و اخلاق اسلامی)، وژام بن ابی فراس، ترجمه: محمد رضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهش های استان قدس رضوی، ۱۳۶۹ش.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی (معروف به محدث نوری رحمته الله)، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
- معجم مقاییس اللغة، أحمد بن فارس، تحقیق و تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تحقیق و تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم - الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
- مکارم الأخلاق، رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
- نظام خانواده در اسلام (بررسی تطبیقی)، باقر شریف قرشی، ترجمه: لطیف راشدی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶ش.
- نهج البلاغه، محمد بن حسن (شریف رضی رحمته الله)، تحقیق و تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
- وسائل الشیعه، محمد بن حسن (شیخ حر عاملی رحمته الله)، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.